

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اسامی کعبه در قرآن

تألیف: محمد ابراهیم جناتی

منبع: کتابخانه فلسفی تبیین

www.IRPDF.com

بزرگترین منبع کتابهای الکترونیکی رایگان

## فهرست

چرا کعبه را، کعبه نامیدند؟  
به کعبه، «بیت» هم گفته می شود  
به کعبه، مسجدالحرام نیز گفته شده است  
توصیف بیت به اوصاف گوناگون  
علت نامگذاری مکه بدین اسم چیست؟  
چرا مکه را «بکه» نامیدند؟  
علت نامگذاری مکه به «امّ القری»  
در بعضی از آیات از مکه به لفظ «بلد»، تعبیر شده است  
در بخشی از آیات از مکه به «بلده» تعبیر شده است  
تعبیر از مکه به «حرم امن»  
چگونگی بوجود آمدن خانه کعبه  
چگونگی به وجود آمدن مسجدالحرام و اهمیت آن  
فضیلت نماز در مسجدالحرام  
پاورقی ها

## ۱ - چرا کعبه را، کعبه نامیدند؟

در علت نامگذاری «کعبه» بدین اسم، دو وجه ذکر شده است:

۱ - چون کعبه دارای ارتفاع و بلندی از سطح زمین می باشد، همچنانکه کعبه در لغت نیز به معنای ارتفاع آمده است.

۲ - زیرا خانه خدا به شکل مربع است و عرب این اسم را به هر خانه ای که چهار گوش باشد اطلاق می کند. ولیکن با کثرت استعمال (وضع تعینی) برای خانه خدا عَلَم گردید. بنابراین هر گاه اسم کعبه برده می شود، به خانه خدا انصراف دارد.

البته «واژه کعبه» در قرآن در بعضی موارد به تنهایی، و در بخشی از آیات، همراه با کلمه «البیت الحرام» آمده است.

مانند: «يا ايها الذين آمنوا لا تقتلوا الصيد و انتم حرمٌ... هدياً بالغ الكعبة».

«یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه در احرام باشید شکار را مکشید، هرکه صید را به عمد بکشد، جزای او قربانی کردن حیوانی است همانند آنچه کشته است، بشرط آنکه دو عادل به آن گواهی دهند و قربانی را به کعبه رساند»<sup>۱</sup>.

و در آیه دیگر چنین می فرماید: «جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس...»

«خدا، کعبه بیت الحرام را، با ماه حرام و قربانی بی قلاده و با قلاده، قوام کار مردم گردانید.»<sup>۲</sup>

## ۲ - به کعبه، «بیت» هم گفته می شود:

در بسیاری از آیات، اسم بیت بر کعبه اطلاق شده است:

الف - «ما كان صلاتهم عندالبیت الاّ مكاءً و تصديء»<sup>۳</sup>

«و دعایشان در نزد خانه کعبه جز صفیر کشیدن و دست زدن، هیچ نبود».

ب - «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»<sup>۴</sup>

«پس باید پروردگار این خانه را بپرستد».

ج - «انّ الصفا و المروة من شعائرالله فمن حجّ البیت...»<sup>۵</sup>

«صفا و مروه از شعائر خداست، پس کسانی که حج خانه خدا بجای می آورند یا عمره می گذارند، اگر بر آن دو کوه طواف کنند مرتکب گناهی نشده اند».

صفا و مروه اسم دو کوهی است که بین آنها فاصله ای وجود دارد و سعی میان آن دو از ارکان حج است. در عصر جاهلی بر کوه صفا بتی بنام «اساف»، و بر کوه مروه بت دیگری بنام «نائله» بود. مسلمانان از سعی میان آن دو کوه که زیارتگاه مشرکین بوده بیم داشتند ولیکن در این آیه سعی میان این دو کوه از شعائر خدای یکتا خوانده شده تا دیگر بیمی بر جای نماند.

د - «و اذ جعلنا البیت مثابة للناس و امناً...»<sup>۶</sup>

«و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید...»

هـ - «و اذ بوّأنا لإبراهيم مكان البيت...» ۷

«و مکان خانه را برای ابراهیم آشکار کردیم و گفتیم: هیچ چیز را شریک من مساز و خانه مرا برای طواف کنندگان و برپای ایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار.»

و - «و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البيت...» ۸

«هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه را بالا بالا بردند. گفتند: ای پروردگار ما، از ما بپذیر که تو شنوان و دانا هستی.»

ز - «ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً...» ۹

«و خدا راست بر مردم حج خانه، آن کس که بتواند به سویش راهی بیابد و هر آن کس که کفر ورزد، همانا خدا از جهانیان بی نیاز است.»

ح - «ان اول بيت وضع للناس...» ۱۰

«نخستین خانه ای که برای مردم (و عبادت خداوند) بنا شده است.»

ط - «... و عهدنا إلى ابراهيم واسماعيل أن طهراً بيتي...» ۱۱

«... ما ابراهيم و اسماعیل را فرمان دادیم: خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید.»

و در جای دیگر چنین آمده است:

ی - «و اذ بوّأنا لإبراهيم مكان البيت أن لا تشرك بي شيئاً و طهراً بيتي للطائفين و القائمين و الرّكع

السجود...» ۱۲

«و بیاد آور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم که با من چیزی شریک نگیرد و بر او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه نماید.»

### ۳ - به کعبه، مسجدالحرام نیز گفته شده است:

الف - «و من حيث خرجت قول وجهك شطرالمسجدالحرام...» ۱۳

«و هرگاه (یا هرجا) بیرون شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام برگردان.»

ب - «ولا تقاتلوهم عندالمسجدالحرام...» ۱۴

«و در مسجدالحرام با آنها (کافران) جنگ مکن، مگر آنکه با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان، که این است پاداش کافران.»

ج - «ولا یجر منکم شئان قوم أن صدّوکم عن المسجدالحرام...» ۱۵

«و دشمنی با قومی که می خواهند شما را از مسجدالحرام باز دارند، وادارتان نسازد که از حدّ خویش تجاوز کنید.»

د - «و کیف یكون للمشرکین عهدٌ عندالله و عند رسوله إلاّ الذین عاهدتم عندالمسجدالحرام...» ۱۶

«چگونه مشرکان را با خدا و پیامبر او پیمانی باشد؟ مگر آنانی که نزد مسجدالحرام با ایشان پیمان بستید.»

هـ - «و ما لهم ألاّ يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام...» ۱۷  
 «و چرا خدا عذابشان نکند، حال آنکه مردم را از مسجد الحرام باز می دارند و صاحبان آن نیستند.»  
 و - «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام...» ۱۸  
 «منزه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، که گرداگردش را برکت داده ایم، سیر داد.»

ز - «انّ الذین کفروا و یصدون عن سبیل الله و المسجد الحرام الذی جعلناه للناس...» ۱۹  
 «آنهاهی که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجد الحرام (که برای مردم چه مقیم و چه غریب یکسان است) باز می دارند...»

ح - «هم الذین کفروا و صدوکم عن المسجد الحرام...» ۲۰  
 «ایشان همانهایی هستند که کفر ورزیدند، و شما را از مسجد الحرام باز داشتند، و مانع شدند که قربانی به قربانگاهش برسد.»  
 و آیات دیگری که در سوره های بقره و توبه وجود دارد، همین مطلب را اثبات می کند.

#### ۴ - توصیف بیت به اوصاف گوناگون.

الف: با وصف حرام: «یا ایها الذین آمنوا لا تحلّوا شعائر الله... ولا آمین البیت الحرام.» ۲۱  
 «ای کسانی که ایمان آورده اید شعائر خدا و ماه حرام و قربانی را، چه بدون قلاده و چه با قلاده، حرمت مشکیند... و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیت الحرام کرده اند، روا مدارید...»  
 ب: با وصف عتیق: «لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثمّ محلّها الی البیت العتیق.» ۲۲  
 «از آن شتران قربانی تا زمانی معین سود ببرید، سپس (بدانید که) جای قربانیشان در آن خانه کهنسال است.»

و در آیه دیگر فرمود: «و لیطوفوا بالبیّت العتیق.» ۲۳

ج: با وصف معمور: «والبیت المعمور.» ۲۴

«قسم به بیت معمور.»

د: با وصف محرم: «ربّنا انّی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم...» ۲۵  
 «ای پروردگار ما! برخی از فرزندانم را به بیابانی بی هیچ کشته ای، نزدیک خانه گرامی تو جای دادم.»

#### ۵ - علت نامگذاری مکه بدین اسم چیست؟

لغت شناسان در وجه تسمیه مکه به این اسم، نکاتی را ذکر کرده اند، که به آنها اشاره می کنیم:  
 «ابن منظور» در لسان العرب می گوید: از آنجا که آب آن سرزمین، قلیل است و مردم برای رفع احتیاجات خود، آب را از زیر زمین استخراج می کردند، آن را مکه نامیدند. (انّما سمّیت بذلك لقلّه ماءها حیث کانوا یمتکون الماء فیها آی یستخرجونها.)

عبدالله بن زبیر می گوید: «أَمَّا سَمِيَّتْ بِذَلِكَ لِقَلَّةِ مَائِهَا» و این اسم از ضرب المثل معروف عرب گرفته شده است که می گویند: (مکّ الفصیل و امتکّ) یعنی: «کودک هر آنچه شیر که در پستان مادر بود، مکید.» و باز در همان کتاب آمده است: «مِنْ أَتْهَآ کَانَتْ تُمَكُّ مَنْ ظَلَمَ فِیْهَا وَ أَلْحَدَ أَى تَهْلُکُهُ» یعنی: «هر کس در آن مکان ظلم کند و یا الحاد و بی دینی را رواج دهد، هلاک می شود.» و یاقوت حموی در معجم البلدان، در عِلَّت تسمیه مکّه به این نام چنین می گوید: چون اعراب جاهلی گمان می کردند، حَجَّشان باطل است، با این گمان به نزد کعبه می آمدند و در حین طواف فریاد می کشیدند و دستهای خود را به هم می زدند (کف می زدند) و بعید نیست که آیه ۳۵ سوره انفال اشاره به همین داستان داشته باشد. «وَمَا كَانَ صَلَوتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَ تَصْدِیْءٌ...»

## ۶ - چرا مکّه را «بکّه» نامیدند؟

برای روشن شدن جواب، باید به اهل خبره رجوع کرد، و بر این اساس ناگزیریم نظر لغت شناسان را ملاحظه کنیم:

«ابن منظور» در لسان العرب می گوید: «اینکه مکّه را بکّه نامیدند، چون هر ظالمی قصد تعدی و تجاوز به آن را داشته باشد، گردنش قطع خواهد شد «لَا تْهَآ کَانَتْ تَبْکُ اعْنَاقُ الْجَبَارَةِ إِذَا أَلْحَدُوا فِیْهَا بِظُلْمٍ.» و همین نظر را نیز اسماعیل بن حمّاد جوهری در کتاب صحاح اللغة جلد ۴ صفحه ۱۵۷۶، ابراز کرده است. عبدالله زبیر نیز به همین معنی نظر داده است.»

و از برخی علّت آن چنین نقل شده: چون مردم به هنگام طواف خانه خدا، مزاحم یکدیگر می شوند. ولی اسماعیل بن حماد جوهری در «صحاح اللغة» و در همان جلد، نظریه دیگری مطرح کرده و می گوید: «مِنْ أَنْ بَكَّةَ اسْمُ بَطْنِ مَكَّةَ وَ أَمَّا سَمِيَّتْ بِذَلِكَ لِأَزْدَحَامِ النَّاسِ فِیْهَا.» یعنی بکّه اسم خود مکّه است، لیکن علت نامگذاری آن به این اسم آن است که: مردم زیادی در آن مکان اجتماع و ازدحام می کنند. در جای دیگری آمده است:

«أَنَّ مَكَّةَ لِلْبَلَدِ وَ بَكَّةَ اسْمُ لَارِضِ الْبَيْتِ سَمِيَ بِذَلِكَ لِأَنَّ النَّاسَ يَتَبَاكَوْنَ فِیْهِ أَى یَزَاحِمُونَ فِی الصَّلَاةِ وَ الذَّهَاب.»

یعنی: «مکّه، اسم شهر مکه می باشد و بکّه اسم است برای زمینی که بیت الله، در آن واقع شده، و علّت نامگذاری آن به این اسم آن است که: مردم در رفت و آمد و به هنگام نماز مزاحم یکدیگر می شوند.» بهر حال با توجه به اینهمه تفصیلات، باید بدانیم که اسم بکّه، در قرآن مجید نیز آمده است. آنجا که می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لِلذِّیْ بَبِکَّةٍ مُبَارَکًا وَ هَدَىٰ لِلْعَالَمِیْنَ.» ۲۶

«همانا اولین خانه ای که برای مردم بنا نهاده شد همان است که در مکّه واقع شده، و برای عالمیان مایه برکت و هدایت است.»

## ۷- علت نامگذاری مکه به «امّ القری»

الف: فخر رازی در تفسیر خود چنین می گوید: «انّما سمّیت بذلك اجلالاً لَهَا لَانَّ فِيهَا الْبَيْتَ وَ مَقَامَ اِبْرَاهِيمَ(ع) وَ الْعَرَبُ تَسْمِيْ اَصْلَ كُلِّ شَيْءٍ اُمُّهُ.»

یعنی: «علت نامگذاری مکه بدین اسم، در واقع نوعی تجلیل از مکه مکرمه است، زیرا خانه خدا و مقام ابراهیم(ع) در آن قرار دارد و عرب نیز ریشه هر چیزی را «امّ» می گوید.»

ب: ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «انّما سمّیت بامّ القری لانّها قبلهٌ جميع الناس يؤمّونها.»  
یعنی: «از آنجا که مکه قبله همه مردم است و بدان سو نماز می گذارند، «امّ القری» نامیده شد.  
و خداوند متعال نیز از مکه به امّ القری تعبیر نموده است.

«وَ كَذَلِكَ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرَى وَ مِنْ حَوْلِهَا...» ۲۷  
«وَ نِيزَ قُرْآنَ رَا بِهٖ زَبَانَ عَرَبِيٍّ بِرَ تُو نَازِلَ كَرَدِيْمَ تَا اَمَّ الْقُرَى (مَكَّة) وَ سَاكِنَانَ اطْرَافِشَ رَا بِيْمَ دَهِي.»  
و در آیه دیگر: «...لِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرَى وَ مِنْ حَوْلِهَا...» ۲۸  
«... تَا بِا اَنَّ مَرْدَمَ اُمَّ الْقُرَى وَ مَرْدَمَ اطْرَافِشَ رَا بِيْمَ دَهِي...»

## ۸- در بعضی از آیات از مکه به لفظ «بَلَدٌ»، تعبیر شده است.

«لَا اَقْسَمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ وَ اَنْتَ حَلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ» ۲۹  
«قسم به این شهر، و تو در این شهر سکونت گزیده ای.»  
«وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُوْنَ وَ طُوْرَ سَيْنِيْنَ وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِيْنِ.» ۳۰  
«سوگند به انجیر و زیتون، سوگند به طور مبارک، سوگند به این شهر ایمن.»  
«در آیات ۱۲۶ بقره، ۳۵ ابراهیم نیز از مکه به بَلَدٌ تعبیر شده است.»

## ۹- در بخشی از آیات از مکه به «بَلَدَةٌ» تعبیر شده است

«اِنَّمَا اَمَرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ هٰذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِيْ حَرَّمَهَا...» ۳۱  
«جز این نیست که به من فرمان داده اند که پروردگار این شهر را که خدا حرمتش نهاده، و همه چیز از آن اوست پرستش کنم.»

## ۱۰- تعبیر از مکه به «حرم امن»

«وَلَمْ نَمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا اَمْنًا يَّجِبِيْ اِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رَّزْقًا مِنْ لَدُنَّا.» ۳۲  
«آیا آنها را در حرمی امن جای نداده ایم که هرگونه ثمرات در آن فراهم می شود و این رزقی است از جانب ما...»

«وَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا اَمْنًا...» ۳۳

«آیا ندانسته اند که حرم امن را جای مردم قرار دادیم، و حال آنکه مردم در اطرافشان، به اسارت رבוته می شوند.»

## ۱۱ - چگونگی بوجود آمدن خانه کعبه

در صفحات قبل بطور فشرده اشاره کردیم که ابراهیم(ع) بعد از ویران شدن خانه خدا، دوباره آن را ساخت. و همچنین اشاره کردیم: که این خانه مقدّس قبل از ابراهیم(ع) و حتّی دو هزار سال قبل از آدم ابوالبشر، وجود داشته، و مردم گرداگرد آن طواف می کرده اند. و اکنون طبق وعده ای که از قبل داده بودیم شرح بیشتری در این زمینه تقدیم می شود:

کیفیت ساختمانی خانه خدا، همانطور که حضرت ابراهیم(ع) ساخته بود، تا مدّت زمانی باقی ماند تا اینکه پس از گذشت زمان (طبق نقل کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة) قصّی بن کلاب جدّ پنجم پیامبر اسلام(ص) آن را تجدید بنا کرد.

این بناء نیز همچنان ادامه داشت، تا عمر شریف پیامبر(ص) به ۳۵ سال رسید، که ناگهان در همان سال سیل عظیمی مکه مکرّمه را محاصره کرد، بطوری که دیوارهای بیت را فرا گرفت و ویرانی هایی نیز به وجود آورد. سپس قریش مکه، آن را تجدید بنا کردند، و آنگاه که دیوار خانه تقریباً به اندازه قامت انسان رسید، و شرایط برای نصب حجرالاسود مهیا شد، قبایل عرب برای نصب آن، دچار اختلاف شدیدی شدند، زیرا هر کدام، دوست داشتند این افتخار نصیب آنان شود.

به هر حال آنقدر اختلافات بالا گرفت که نزدیک بود هر لحظه آتش جنگ در میانان شعله ور شود ولیکن با داوری صحیح و عقل و درایت پیامبر اسلام(ص) این مشکل بخوبی حلّ شد.

حل مشکل:

حضرت لباس خود را روی زمین پهن کرد، و سنگ را با دست خویش روی آن قرار داد، و سپس فرمود: بزرگتر هر قبیله، قسمتی از این لباس را بگیرد، همگان دستور پیامبر را اطاعت نموده و سنگ را تا برابر مکان تعیین شده، برای نصب، حمل کردند، و آنگاه پیامبر(ص) با دست مبارک خود، سنگ را در مکان مخصوص قرار داد.

این وضع همچنان باقی بود تا زمانی که یزیدبن معاویه به حکومت رسید، یزید در زمان حکومتش با عبدالله بن زبیر درگیری شدیدی پیدا کرد، که در نتیجه طبق دستور وی از روی کوه های مکه، با منجنیق خانه خدا را سنگباران کردند.

مورخین نوشته اند در این حمله ده هزار سنگ به خانه خدا اصابت، و آن را ویرانکرد. ولی ابن زبیر پس از فرو نشستن آتش جنگ، خانه کعبه را به همان شکلی که در سابق بود ساخت، و اطراف آن را به وسیله چوب هایی حصار کشی کرد.

و باز به گواهی تاریخ: خانه خدا مدّت زمانی به همین شکل باقی بود تا زمانی که حکومت به عبدالملک مروان رسید، در ایّام خلافت وی، حجاج بن یوسف ثقفی ابن زبیر را محاصره کرد و به قتل رساند. ولیکن قتل



ابن زبیر به سادگی صورت نگرفت، زیرا حجاج هم مانند یزید، خانه خدا را سنگباران و مقداری از آن را خراب کرد و نهایتاً ابن زبیر را کشت، و سپس خود حجاج، مقدار ویران شده از خانه کعبه را، دوباره درست کرد، ولیکن دیوار کعبه را تغییر داد و درب غربی را هم، که یکی از ابواب بیت بود، مسدود کرده و سرانجام ساختمان خانه خدا، توسط حجاج همچنان تا سال ۱۰۴۰ هجری باقی بود، تا آنکه باران شدیدی، با دانه های درشت، باریدن گرفت و صدمه فراوانی به دیوارهای خانه خدا زد. در این هنگام مسلمین جهان از اقصای نقاط دنیا، برای تعمیر خانه خدا، متفق شدند و خانه امن را بدین شکل که الآن موجود است، تعمیر کردند.

## ۱۲ - چگونگی به وجود آمدن مسجدالحرام و اهمیت آن

تاریخ نویسان معتقدند: مسجدالحرام دارای سابقه طولانی تاریخی است، و همین مسأله موجب تأسیس شهر مکه شده است. لذا در سال ۱۷ هجری به خاطر نیاز شدید، آن را توسعه دادند؛ یعنی از همه اطراف دیوارهای کوتاهی به دور آن کشیدند.

ولی در سال ۹۷۹ هجری و در زمان حکومت سلطان سلیم دوم، بناهای اطراف آن تجدید و در زمان فرزندش سلطان مراد، کامل شد.

ولی این مساحت نیز هرگز جوابگوی جمعیت زیادی که برای زیارت، به خانه خدا می آمدند، نبود. و لذا در سال ۱۳۷۵ هجری یعنی در اوائل حکومت آل سعود، بار دیگر اطراف مسجد توسعه یافت و مساحت آن از ۲۹۱۲۷ متر به ۱۶۰۱۶۸ متر رسید. و اخیراً نیز مجدداً مسجد را توسعه داده اند.

بهر حال هر چه در توسعه و ساختمان مجدد بیت الله، اتفاق افتاده باشد، تأثیری در واقعیت این مهبط وحی ندارد، و در واقع مسجدالحرام همان جایی است که اولین ندای توحید از حلقوم پاک پیامبر اسلام(ص) بلند شد که:

«یا ایها الناس قولوا لا اله الا الله تفلحوا»

آری این نقطه مقدس از سرزمین وحی، اثر شگرفی در برانگیختن روح علم و معرفت و هدایت مردم به توحید و نابودی شرک و الحاد، دارد.

## ۱۳ - فضیلت نماز در مسجدالحرام

روایاتی که در این مورد از ائمه معصومین - علیهم السلام - به دست ما رسیده، بسیار زیاد است، ولیکن از باب تبرک به یک روایت اکتفاء می کنیم.

«روی أنّ الصلاة في المسجد الحرام افضل من مائة صلاة في غيره من المساجد.»

یعنی: «یک نماز در مسجدالحرام، از یکصد نماز در غیر آن، بافضیلت تر است.»

## پاورقی ها:

- ۱ - مائده: ۹۵ .
- ۲ - همان: ۹۷ .
- ۳ - انفال: ۳۵ .
- ۴ - قریش: ۳ .
- ۵ - بقره: ۱۵۸ .
- ۶ - همان: ۱۲۵ .
- ۷ - حج: ۲۶ .
- ۸ - بقره: ۱۲۷ .
- ۹ - آل عمران: ۹۷ .
- ۱۰ - همان: ۹۶ .
- ۱۱ - بقره: ۱۲۵ .
- ۱۲ - حج: ۲۵ .
- ۱۳ - بقره: ۱۵۰ .
- ۱۴ - همان: ۱۹۱ .
- ۱۵ - مائده: ۲ .
- ۱۶ - توبه: ۷ .
- ۱۷ - انفال: ۳۴ .
- ۱۸ - اسراء: ۱ .
- ۱۹ - حج: ۲۵ .
- ۲۰ - فتح: ۲۵ .
- ۲۱ - مائده: ۲ .
- ۲۲ - حج: ۳۳ .
- ۲۳ - همان: ۲۹ .
- ۲۴ - طور: ۴ .
- ۲۵ - ابراهيم: ۳۷ .
- ۲۶ - آل عمران: ۹۶ .
- ۲۷ - شوری: ۷ .
- ۲۸ - انعام: ۹۲ .
- ۲۹ - بلد: ۳ - ۱ .

- ٣٠ - تين: ١ .  
٣١ - نمل: ٩١ .  
٣٢ - قصص: ٥٧ .  
٣٣ - عنكبوت: ٦٧ .